

کتاب دانیال — صد و هشتاد و هشتم

از رافیه تا پانیوم: آشکار ساختن اهمیت نبوی نبردهای باستانی

Jeff Pippenger

2024-04-18

نبرد رافیا و نبرد پانیوم دو رویداد تاریخی متمایز هستند که در دوره‌ها و زمینه‌های متفاوتی رخ دادند، اما هر دو در تاریخ یهودیه باستان و نواحی پیرامون آن اهمیت دارند. نبرد رافیا در سال ۲۱۷ پیش از میلاد روی داد. نبرد پانیوم در سال ۲۰۰ پیش از میلاد میان پادشاهی سلوکی (پادشاه شمال) و پادشاهی بطلمیوسی (پادشاه جنوب) واقع شد. این دو نبرد در آیات یازده تا پانزده فصل یازدهم کتاب دانیال شناسایی شده‌اند. این دو نبرد پیش از شورش مکابیان در سال ۱۶۷ پیش از میلاد رخ دادند.

نبرد پانیوم نام خود را از عارضه جغرافیایی نزدیک آن، کوه پانیوم، گرفته است؛ جایی که درگیری در آن رخ داد. نام «پانیوم» از خدای یونانی «پان» مشتق شده است که در آنجا معبدی به او تقدیم شده بود. این محل به سبب پیوندش با پرستش پان، به «پانیوم» شناخته می‌شد. مجموعه معبد غالباً «معبدگاه پان» نامیده می‌شد، که نقش آن را به عنوان مکانی برای اخلاص دینی و پرستش اختصاص یافته به خدای پان برجسته می‌ساخت. اصطلاح «نیمفائوم» به بنایی یادمانی یا زیارتگاهی اختصاص یافته به حوریان آب در دین یونانی و رومی باستان اشاره دارد. مجموعه معبد در پانیوم شامل غاری و چشمه‌ای طبیعی بود که گمان می‌رفت حوریان در آن سکونت دارند، و از این رو گاه از آن با عنوان «نیمفائوم پانیوم» نیز یاد می‌شد.

پس از آن که شهر به دست هیروودس فیلیپ، پسر هیروودس کبیر، بازسازی و گسترش یافت، به افتخار امپراتور روم، قیصر آگوستوس، و خود هیروودس فیلیپ، به نام قیصریه فیلیپی شناخته شد. مجموعه معبد در داخل این شهر مرکز مهمی مذهبی بود.

در دوران فرمانروایی امپراتور آگوستوس، معبد به افتخار آگوستوس دوباره تقدیس شد یا نامی تازه یافت؛ امری که بازتاب دهنده کیش امپراتوری و ادغام آیین‌های دینی رومی در بافت دینی محلی بود. ناحیه نزدیک به شهر باستانی قیصریه فیلیپی، جایی که معبد پان قرار داشت، گاه «دروازه‌های جهنم» یا «دروازه‌های هادس» نامیده می‌شد.

در آیات شانزدهم تا نوزدهم فصل یازدهم دانیال، سه ناحیه جغرافیایی فتحی که روم بت پرست می‌بایست بر آن‌ها غلبه یابد تا به عنوان چهارمین پادشاهی نبوت کتاب مقدس و پادشاه شمال در آن فصل استقرار یابد، بازنمایی شده‌اند. در آیه شانزدهم، سردار رومی، پومپی، به عنوان فاتح سوریه در 65 ق.م. و سپس اورشلیم در 63 ق.م. معرفی می‌شود. آیات هفدهم تا نوزدهم، فتح مصر به دست ژولیوس سزار، یعنی سومین آن سه مانع، را مشخص می‌سازند. نبرد آکتیوم در 31 ق.م. آغاز آن سیصد و شصت سال را نشان می‌دهد که در طی آن روم بت پرست، در تحقق آیه بیست و چهار فصل یازدهم دانیال، به گونه‌ای برتر فرمان راند.

در آیه بیست، سلطنت اوگوستوس قیصر مشخص شده است، و در آن بخش از تاریخ، عیسی تولد یافت. سپس در آیات بیست و یک و بیست و دو، سلطنت تیبریوس قیصر شریر مشخص می‌گردد، و بدین سان مصلوب شدن مسیح را نشان‌گذاری می‌کند. در آیه بیست و سه، اتحادی که یهودیان مکابی با روم بت پرست بدان درآمدن مشخص شده است، و از این رو جریان تاریخی‌ای که در آیه یازده آغاز شده بود متوقف می‌شود، و روایت تاریخی به دوره ۱۶۱ ق.م. تا ۱۵۸ ق.م. بازمی‌گردد.

آیه بیست و سه نمایانگر سلسله مکابیان است، و هرچند همه جزئیات خط نبوی آنان را ارائه نمی‌کند، گزارش تاریخ چنین می‌کند. در سال ۲۱۷ پیش از میلاد، نبرد رافیه رخ داد، و در پی آن، یک پادشاه کودک مصر را آسیب‌پذیر بر جای گذاشت. هنگامی که پادشاهان سلوکی و یونانی در سال ۲۰۰ پیش از میلاد برای رسیدگی به امر آن پادشاه کودک نقشه می‌کشیدند، روم خود را در تاریخ داخل کرد و مدافع آن پادشاه کودک مصری شد. در همان سال، نبرد پانیوم نیز رخ داد. سپس در سال ۱۶۷ پیش از میلاد، جنگ‌های چریکی مکابیان آغاز شد.

قیام مکابیان در سال ۱۶۷ پیش از میلاد در مودعین آغاز شد، و عبارت بود از این‌که مکابیان نه تنها با امپراتوری سلوکی درگیر شدند، بلکه با آن یهودیانی نیز به نبرد برخاستند که تشخیص داده بودند با سلوکیان هم‌پیمان‌اند. این قیام انگیزه‌ای دینی داشت، و بر ضد دشمنی داخلی و خارجی به اجرا درآمد. در سال ۱۶۴ پیش از میلاد، مکابیان هیکل را تطهیر و تجدید تقدیس کردند، و این رویداد در عید یهودی حنوکا یادبود می‌شود. در همان سال، آنتیوخوس اپیفانس بدنام درگذشت. سپس از سال ۱۶۱ پیش از میلاد تا ۱۵۸ پیش از میلاد، «اتحاد» مذکور در آیه بیست و سه با روم منعقد شد.

تنها اشاره مستقیم به مکابیان، شورش آنان و پیمان‌شان با روم، در آیه بیست و سه یافت می‌شود؛ اما تاریخ این دودمان، که «دودمان حسمونی» نامیده می‌شود، در سال ۱۶۷ پیش از میلاد در مودعین آغاز شد و تا زمان صلیب ادامه یافت. آخرین نمایندگان دودمان حسمونی، فریسیان دوران مسیح بودند. بنابراین، خطی نبوی از تاریخ یهودیت مرتد، آن‌گونه که در مکابیان نمایان شده است، وجود دارد که در سال ۱۶۷ پیش از میلاد با شورش مودعین آغاز می‌شود و در آیات بیست و یک و بیست و دو، هنگامی که عیسی مصلوب شد، به پایان می‌رسد.

تاریخ ایشان در آیه شانزدهم به نقطه‌ای سرنوشت‌ساز رسید، آنگاه که روم برای نخستین بار، به وسیله پومپه، اورشلیم را فتح کرد. انگیزه اصلی او در آوردن آن ویرانی بر اورشلیم در آن زمان، نزاعی میان دو جناح از دودمان حسمونی بود. از آن زمان به بعد (63 ق.م.)، یهودا تحت حاکمیت روم قرار گرفت. دودمان حسمونی مکابیان از لحاظ نبوی با نبرد مودعین در 167 ق.م. آغاز می‌شود، و سپس در 63 ق.م. تحت انقیاد روم قرار می‌گیرد. اندکی پس از آغاز آن تاریخ، مکابیان از 161 ق.م. تا 158 ق.م. پیمانی با روم برقرار کردند و به آن درآمدند. آنان از 63 ق.م. تا صلیب و ویرانی نهایی اورشلیم در سال 70، در تابعیت روم بودند.

خط نبوی مکابیان، خط یهودیت مرتد است، و از این رو نمونه‌وار خط پروتستانتیسم مرتد می‌باشد. از نبرد پانیوم تا قانون یکشنبه در آیه شانزده، رویدادهای نبوی سال‌های ۲۰۰ ق.م.، ۱۶۷ ق.م.، ۱۶۴ ق.م.، و نیز اتحاد سال‌های ۱۶۱ ق.م. تا ۱۵۸ ق.م. در تاریخ پروتستانتیسم مرتد تکرار خواهند شد. این نشانه‌های راه در تاریخ رئیس‌جمهور هشتم، که از آن هفت است، پیش از قانون یکشنبه رخ خواهند داد. سال ۲۰۰ ق.م. بیانگر خط خارجی شاخ جمهوری‌خواه است نسبت به ۱۶۷ ق.م. که نمایانگر خط داخلی شاخ پروتستان مرتد است.

این نشانه‌های راه، در اصل در درون خط تاریخی سلسله حسمونیان نهفته‌اند؛ با این همه، بخشی از تاریخ پنهان آیه چهل دانیال یازدهم را تشکیل می‌دهند. این خط، بخشی از «آن قسمت از نبوت دانیال است که به ایام آخر مربوط می‌شود.»

این واقعیت که یهودیت، حنوکا را به یاد شورش مکابیان گرامی می‌دارد، مکابیان را صالح تعریف نمی‌کند. به سبب عصیان، شکینه هرگز به معبدی که پس از اسارت هفتادساله بازسازی شد بازنگشت. آخرین پیام نبوی، حدود دو قرن پیش از مکابیان، از طریق ملاکی آمد. تاریخ مکابیان نشان می‌دهد که ایشان اجازه دادند رهبران سیاسی‌شان هم‌زمان منصب کاهن اعظم را نیز بر عهده گیرند؛ همان گناهی که بطلمیوس مصری در پی آن بود و عزیزی پادشاه نیز در صدد انجام آن برآمد. سنت

بیان می‌کند که خدا مداخله کرد تا بطلمیوس را از آن عمل کفرآمیز بازدارد، و کلام خدا به صراحت نشان می‌دهد که هنگامی که عزّیای پادشاه کوشید کار کاهن و پادشاه را انجام دهد، خدا مداخله کرد. ثمره نهایی دودمان ایشان، فریسیان بودند. هیچ دلیلی وجود ندارد که نتیجه بگیریم مکابیان نماد عدالت بودند، با وجود حرمت تاریخی‌ای که یهودیان یهودیت معاصر ممکن است برای آنان قائل باشند.

اصلاح پروتستانت کا آغاز لوتهر کے زمانے میں ہوا، اور یہ ایک تدریجی ارتقا تھا۔ یہ کوئی نئی روایت نہ تھی، کیونکہ یسوع اور اُس کے شاگرد پروٹسٹنٹ تھے۔ یہ تاریخ کی تاریکی کے اندر ایک بیداری تھی، جہاں لوتھر اور دیگر مصلحین بیدار کیے گئے۔ اُس تدریجی اصلاح کا نقطہ عروج میلرانت تحریک تھی۔ خدا کو صرف یہ مقصود نہ تھا کہ ابتدائی مصلحین کو بابل کے گناہوں پر بیدار کرے، بلکہ اُس کا ارادہ یہ تھا کہ انہیں اپنی شریعت اور آسمانی مقدس میں اپنے کام کی کامل سمجھ تک لے آئے۔ 19 اپریل 1844 کو پروٹسٹنٹوں نے اصلاح کی بڑھتی ہوئی روشنی کو رد کر دیا اور مرتد پروٹسٹنٹ ازم بن گئے۔

وفادار ملّیریان در آن زمان «خرقه را دریافت کردند» و به قدس‌الاقداّس هدایت شدند تا کار را به انجام رسانند و به مسیحیان پروتستان بالغ تبدیل شوند. در سال ۱۸۶۳، آنان که خرقه به ایشان سپرده شده بود، بر اثر نافرمانی، خرقه پروتستانتیسیم را کنار نهادند و خرقه لائودیکیه را برگرفتند. در دوره نهایی مهر شدن یکصد و چهل و چهار هزار نفر، که بیست و دو سال پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، یعنی در ۲۰۲۳، آغاز شد، شیر سبط یهودا در حال گشودن مهر حقایقی است که تاریخ نهان آیه چهل از باب یازدهم دانیال را کامل می‌سازد؛ تاریخی که از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در ۱۹۸۹ تا قانون یکشنبه‌ای قریب‌الوقوع امتداد دارد. او بدین‌سان تاریخ یهودیت مرتد را به‌عنوان نمادی از پروتستانتیسیم مرتد مکشوف ساخته است.

هر دو سلسله از قوم مرتد خدا، خواه آنان که از یهودای تحت‌اللفظی‌اند و خواه آنان که از یهودای روحانی‌اند (که هر دو سرزمین‌های جلال‌اند)، به فتح اورشلیم پایان می‌یابند: اولی در سال ۶۳ پیش از میلاد، و دومی در قانون یکشنبه‌ای که به‌زودی خواهد آمد. هر دو سلسله نمایانگر جنگی هستند که انگیزه آن اعتقادات دینی گمراه‌کننده است. هر دو سلسله نمایانگر جنگی بر ضد فلسفه‌های دینی یونان‌اند، و هر دو سرانجام به آنجا می‌انجامند که مرتدان تحت انقیاد روم قرار گیرند. من سه نبرد آیه چهل را - که نمایانگر فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در ۱۹۸۹، جنگ اوکراین، و پانیوم در زمان قانون یکشنبه‌اند - به این منظور مشخص می‌کنم که تمایزی میان آن سه نبرد و سه جنگ جهانی نشان دهم.

«کلام خدا از خطر قریب‌الوقوع هشدار داده است؛ اگر به این هشدار اعتنا نشود، دنیای پروتستان تنها هنگامی خواهد آموخت که مقاصد روم واقعاً چیست، که دیگر برای گریختن از دام بسیار دیر شده باشد. او خاموش و بی‌صدا در حال رشد یافتن در قدرت است. تعالیم او نفوذ خود را در تالارهای قانون‌گذاری، در کلیساها، و در دل‌های انسان‌ها اعمال می‌کنند. او بناهای بلند و عظیم خود را انباشته می‌سازد؛ در نهانخانه‌های پنهان آن‌ها، آزارهای گذشته‌اش بار دیگر تکرار خواهد شد. او پنهانی و بی‌آنکه کسی گمان برد، نیروهای خود را تقویت می‌کند تا چون زمان ضربه زدنش فرا رسد، مقاصد خویش را پیش ببرد. تمام آنچه او می‌خواهد، موضع برتر و برتری موقعیت است، و این هم‌اکنون به او داده می‌شود. ما به‌زودی خواهیم دید و خواهیم احساس کرد که مقصود عنصر رومی چیست. هر که به کلام خدا ایمان آورد و از آن اطاعت کند، بدین‌سبب ملامت و آزار را بر خود هموار خواهد ساخت.» The Great Controversy, 581.

له آیت دهم خخه، چې په ۱۹۸۹ کال کې د شوروي اتحاد ړنګېدل څرګندوي، تر آيت پنځلسم پورې، چې د پانیوم جګړې ته اشاره کوي، پاپي نظام «خپل ځواکونه پیاوړي کول تر څو خپل مقاصد پر مخ یوسي کله چې د ګوزار وخت راوړسېږي.» دغو آیتونو هغه نبوي حالات څرګند کړي دي چې هماغه «دام» دی چې د پاپي نظام له خوا تیار شوی، او له هغه څخه «تېښته» ناشونې ده. په وروستۍ

نہ تہ کپ، چپ د پانیوم جگرے لخوا تمثیل شوے دہ، د حیوان انخور بہ پہ متحدہ ایالاتو کپ جور شی۔ د دغہ انخور جور بدل د وروستو ورخو لپارہ د خدای د خلکو وروستی ازموینہ دہ۔

«خداوند بہ روشنی بہ من نشان دادہ است کہ تصویر وحش پیش از بستہ شدن زمان آزمایش شکل خواہد گرفت؛ زیرا این همان آزمون بزرگ برای قوم خدا خواہد بود کہ بہ وسیلہ آن سرنوشت ابدی ایشان تعیین خواہد شد۔ ... در مکاشفہ ۱۳ این موضوع بہ صراحت بیان شدہ است؛ [مکاشفہ ۱۱: ۱۳-۱۷، نقل شدہ]»

«این است آن آزمونی کہ قوم خدا باید پیش از مہر شدن از آن بگذرند۔ ہمہ آنان کہ با نگاہ داشتن شریعت او و سر باز زدن از پذیرفتن سبتی جعلی، وفاداری خویش را بہ خدا ثابت کردند، زیر پرچم یہوہ، خداوند خدا، قرار خواہند گرفت و مہر خدای زندہ را دریافت خواہند کرد۔ و آنان کہ حقیقت دارای منشأ آسمانی را واگذارند و سبت یکشنبہ را بپذیرند، نشان وحش را دریافت خواہند کرد۔» Manuscript Releases، جلد 15، ص. 15.

تشکیل صورت وحش اُس زمانے کی نمائندگی کرتا ہے جب روم کے اتحاد میں داخل ہوا گیا۔ ریاستہائے متحدہ کا پروٹسٹنٹ سینگ 1844 میں روم کی بیٹیاں بن گیا، اور اُن کی تاریخ کا آغاز اُن کی تاریخ کے اختتام پر دہرایا جاتا ہے، جب وہ ایک بار پھر اپنی ماں کی نقل کرنے کا عزم کرتی ہیں۔

میں نے دیکھا کہ دو سینگوں والے درندے کا منہ اڑدبا کا سا تھا، اور اس کی قدرت اس کے سر میں تھی، اور یہ کہ فرمان اس کے منہ سے صادر ہوگا۔ پھر میں نے کسبیوں کی ماں کو دیکھا؛ کہ ماں بیٹیاں نہ تھی، بلکہ ان سے الگ اور ممتاز تھی۔ اس کا زمانہ گزر چکا ہے، اور اس کی بیٹیاں، یعنی پروٹسٹنٹ فرقہ، اس کے بعد منظر پر آنے والی تھیں تاکہ اسی ذہنیت کا اظہار کریں جو ماں کے پاس تھی جب اس نے مقدسین پر ظلم و ستم کیا۔ میں نے دیکھا کہ جیسے جیسے ماں کی قدرت زوال پذیر ہوتی گئی، بیٹیاں بڑھتی گئی تھیں، اور عنقریب وہ اسی قدرت کو استعمال کریں گی جو کبھی ماں استعمال کرتی تھی۔

میں نے دیکھا کہ برائے نام کلیسیا اور برائے نام ایڈونٹسٹ، یہوداہ کی مانند، ہمیں کیتھولکوں کے حوالے کر دیں گے تاکہ ان کا اثر و رسوخ حاصل کر کے حق کے خلاف آئیں۔ اُس وقت مقدسین ایک غیر معروف قوم ہوں گے، کیتھولکوں میں بہت کم جانے پہچانے؛ لیکن کلیسیائیں اور برائے نام ایڈونٹسٹ، جو ہمارے ایمان اور ہمارے رواج سے واقف ہیں (کیونکہ وہ سبت کے سبب ہم سے نفرت رکھتے تھے، اس لیے کہ وہ اس کی تردید نہیں کر سکتے تھے)، مقدسین سے غدار ی کریں گے اور کیتھولکوں کو ان کی خبر دیں گے کہ یہ وہ لوگ ہیں جو عوام کے مقررہ اداروں کو نظر انداز کرتے ہیں؛ یعنی یہ کہ وہ سبت مانتے ہیں اور اتوار کو نظر انداز کرتے ہیں۔

«سپس کاتولیک ہا بہ پروتستان ہا فرمان خواہند داد کہ پیش روند، و حکمی صادر کنند کہ ہر کس روز نخست ہفتہ را بہ جای روز ہفتم نگاہ ندارد، باید کشتہ شود۔ و کاتولیک ہا کہ شمارشان بسیار است، در کنار پروتستان ہا خواہند ایستاد۔ کاتولیک ہا قدرت خود را بہ صورت وحش خواہند داد۔ و پروتستان ہا همان گونہ کہ مادرشان پیش از ایشان عمل کرد، برای نابودی مقدسان عمل خواہند کرد۔ اما پیش از آن کہ حکم ایشان بہ نتیجہ برسد یا ثمر آورد، مقدسان بہ وسیلہ صدای خدا رہایی خواہند یافت۔» Spalding and Magan, 1, 2.

در این بخش دو گروہ از «اسمی» ہا وجود دارند—یعنی کسانی کہ «تنہا در نام» ہستند—کہ وفاداران خدا را بہ کاتولیک ہا تسلیم می کنند۔ درک الن وایت از کلیساہای اسمی و ادونتیسٹ ہای اسمی با آنچه آنان در ایام آخر در واقع نمایندگی می کنند متفاوت است؛ زیرا درک او از یک «ادونتیسٹ اسمی» نمایانگر مسیحی ای بود کہ اقرار می کرد بہ بازگشت مسیح ایمان دارد۔ اما انبیا بیش از روزگاری کہ خود در آن می زیستند، درباره ایام آخر سخن می گویند، و یک «ادونتیسٹ اسمی»

در ایام آخر نمایانگر کلیسای لائودیکیه‌ای ادونتیسٹ روز ہفتم است، و کلیساہای اسمی بازماندگان کسانی هستند کہ در سال ۱۸۴۴ دختران روم شدند.

ادونتیسٹ‌های روز ہفتم از «قوم گمنام» نفرت خواهند داشت، زیرا آنان نمایندگان حقیقی خدا هستند، چون «نمی‌توانند حقیقتِ سبت را رد کنند»، حقیقتی کہ نمایانگر سبت آرامیدن زمین است. کلیسای ادونتیسٹ روز ہفتم مدعی است کہ از روز ہفتم بہ عنوان روز عبادت پاسداری می‌کند، اما در ایام آخر، آن سبتی کہ نمی‌توانند آن را رد کنند، همان «ہفت زمان» مذکور در لاویان بیست و شش است؛ همان نخستین حقیقت بنیادی کہ در سال 1863 آن را رد کردند.

متنی کہ اکنون بدان می‌پردازیم، پویایی‌های نبوی مرتبط با آن تاریخ را کہ با قانون یکشنبہ‌ای قریب‌الوقوع آغاز می‌شود، شناسایی می‌کند؛ اما تاریخ آزمون نہایی کہ در پی قانون یکشنبہ‌ای می‌آید، نخست در داخل ایالات متحدہ بہ انجام می‌رسد. در زمان قانون یکشنبہ‌ای، ایالات متحدہ تمام جهان را وادار خواهد کرد کہ تمثالی برای وحش برپا سازند؛ اما پیش از آنکہ آن کار را بہ انجام رسانند، در ایالات متحدہ تمثالی برای وحش برپا کردہ خواهند بود.

«ہنگامی کہ آمریکا، سرزمین آزادی مذہبی، با پاپیت در تحمیل بر وجدان و واداشتن مردم بہ احترام نہادن بہ سبت کاذب متحد شود، مردم ہر کشوری در سراسر جهان بہ پیروی از نمونہ او سوق دادہ خواهند شد.» شہادت‌ها، جلد ۶، ص. ۱۸.

«اقوام بیگانہ ریاستہائے متحدہ کی مثال کی پیروی کریں گی۔ اگرچہ وہ پیش قدمی کرتی ہے، تاہم یہی بحران دنیا کے ہر حصے میں ہمارے لوگوں پر بھی آ پڑے گا.» Testimonies, جلد 6، 395.

آزمون بزرگ برای قوم خدا پیش از قانون یکشنبہ رخ می‌دہد، زیرا با قانون یکشنبہ، مہلت فیض برای ادونتیسٹ‌های روز ہفتم بستہ می‌شود. این آزمون بہ صورت تشکیل صورت وحش معرفی شدہ است، و صورت وحش همان اتحاد کلیسا و دولت است، با این تفاوت کہ کلیسا بر این رابطہ حاکم است. همان‌گونہ کہ پروتستان‌ها در سال 1844 بہ دختری برای روم تبدیل شدند، و دختر صورت مادر خویش است، پروتستان‌های مرتد نیز در ایام آخر عملی موازی را بہ انجام خواهند رساند، زیرا عیسی ہموارہ پایان یک چیز را با آغاز آن چیز بہ تصویر می‌کشد.

تاریخی کہ در «ہمپیمانی» مذکور در آیہ بیست و سہ از باب یازدہم دانیال بازنمودہ شدہ است، نمایانگر قومی مدعی اما مرتد از سرزمین جلال است کہ دست دراز می‌کنند تا با روم اتحادی برقرار سازند. سال‌های 161 ق.م. تا 158 ق.م. بیانگر شکل‌گیری صورت وحش است کہ در قانون یکشنبہ بہ اوج خود می‌رسد.

این مطالعہ را در مقالہ بعدی ادامہ خواهیم داد.

«اما "تصویر وحش" چیست؟ و چگونہ باید ساختہ شود؟ این تصویر بہ وسیلہ وحش دودمشاخ ساختہ می‌شود، و تصویری برای آن وحش است. ہمچنین "تصویر وحش" نیز نامیدہ می‌شود. پس برای آنکہ بدانیم این تصویر چگونہ است و چگونہ باید ساختہ شود، باید ویژگی‌های خود آن وحش—یعنی پاپیت—را بررسی کنیم.»

«جب ابتدائی کلیسیا انجیل کی سادگی سے ہٹ کر اور بت پرستانہ رسوم و رواج کو قبول کر کے فاسد ہو گئی، تو اُس نے خدا کی روح اور قدرت کو کھو دیا؛ اور لوگوں کے ضمیروں پر قابو پانے کے لیے اُس نے دنیوی اقتدار کی حمایت تلاش کی۔ اس کا نتیجہ پاپائیت کی صورت میں نکلا، یعنی ایسی کلیسیا جو ریاست کی طاقت پر قابض تھی اور اسے اپنے مقاصد کی تکمیل کے لیے، بالخصوص "بدعت" کی سزا دینے کے لیے، استعمال کرتی تھی۔ ریاستہائے متحدہ کے لیے ضروری ہے کہ وہ حیوان کی ایک شبیہ قائم کرنے کے لیے مذہبی قوت اس حد تک شہری حکومت پر قابو پا لے

کہ ریاست کا اختیار بھی کلیسیا کے اپنے مقاصد کو پورا کرنے کے لیے استعمال ہو۔» The Great Controversy, 443